

زنی که همیشه هست

دور و تی پار کر

ترجمه‌ی رُزا جمالی





لطفونه

انتشارات نامه

نام: زنی که همیشه هست

نویسنده: دوروثی پارکر

ترجمان: رزا جمالی

چاپ یکم: تیر ۱۴۰۳

شاله: ۵.۰۰۷

شارکان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۳۹۱-۶۹-۳

لیتوگرافی، چاپ و صافی: ترجمه

سرشناس: پارکر، دوروثی، ۱۸۹۳-۱۹۷۲م

Parker, Dorothy

عنوان و نام پدیدآور: زنی که همیشه هست / دوروثی پارکر؛ ترجمه‌ی رزا جمالی.

منخصات شعر: تهران: نامه

منخصات طاهری: ۷۹، م: ۱۸/۵×۲۱/۵

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۳۹۱-۶۹-۳

و ضمیت فهرست نویسندگان

پادداشت: عنوان اصلی: The portable Dorothy Parker, ۱۹۷۶

پادداشت: چاپ نقلی: نوین‌ستان، ۱۴۰۱

موضوع: داستان‌های کوتاه آمریکایی -- قرن ۲۰م.

Short stories, American -- 20th century

موضوع: پارکر، دوروثی، ۱۸۹۳-۱۹۷۲م

Parker, Dorothy

موضوع: شعر آمریکایی -- قرن ۲۰م. -- ترجمه شده به فارسی

American poetry -- 20th century -- Translations into Persian

شعر فارسی -- قرن ۱۴-- -- ترجمه شده از انگلیسی

Persian poetry -- 14th century -- Translations from English

شاله افزوده: جمالی، رزا، ۱۳۵۶م. -- سفرنامه

ردیه بندی نگاره: PST۳۵۳

ردیه بندی ندوی: ۸۱۲/۳۴

شارکه کتابخانه ملی: ۹۳۱۲۰۰۰

و ضمیت رکورده: نهیا

فهرست

۷.....	مقدمه‌ی مترجم
۱۲.....	داستان‌ها
۱۵.....	گفتگوی تلفنی
۲۳.....	احساسات
۳۱.....	شعرها
۳۳.....	زنی که همیشه هست
۳۵.....	رمان دو جلدی
۳۶.....	تل سرخ بیعیب
۳۸.....	ترانه‌ی کوتاه
۳۹.....	زنان
۴۳.....	فهرست
۴۵.....	کلمات قصار

مقدمه‌ی مترجم

دوروثی پارکر

(۱۸۹۳-۱۹۶۷)

دوروثی راتچایلد پارکر در نیمه‌ی تابستان (۱۸۹۳-۱۸۹۴) در خانوده‌ای از طبقه‌ی متوسط و از پدری یهودی آلمانی که تولیدی پوشان داشت و مادری کاتولیک و خانه‌دار در نیوجرسی آمریکا دو ماه زودتر از موعد به دنیا آمد و سرانجام پس از عمری پر از تب و تاب در سن ۷۳ سالگی و در روزهای آخر بهار (۷ زونن ۱۹۶۷) به شکل عربیبی از حمله‌ی قلبی پس از بارها تلاش ناموفق به خودکشی، پس از زندگی‌ای بر از کشمکش‌های عاطفی در هتلی در نیویورک درگذشت. جسدش سوزانده شد و خاکستریش بعدها در محل یادبود او در بالتمیر قرار گرفت.

دوروثی مادرش را در پنج سالگی از دست داد و پدرش دو سال بعد دوباره ازدواج کرد. نامادری اش را هیچ وقت دوست نداشت و از سدا^۱ کردن او به عنوان مادر امتناع می‌کرد. پدرش را نیز در جوانی از دست داد.

^۱ سدا به گواه لغتname‌ی دهخدا واژه‌ای است فارسی که نوشتنش با ص غلطی است
مسطح

کودکی ناخوش و پرتنشی داشت و در مدرسه‌ی کاتولیک مذهبی بزرگ شد. او بسیار ریزنقش و کوچک‌اندام بود و مشخصات فیزیکی خود او در قالب شخصیت‌های داستانی اش بارها توصیف شده‌است.

در جوانی مدتی به عنوان نوازنده‌ی پیانو در یک مدرسه کار می‌کرد. از جوانی به عنوان ویراستار و منتقد با نشریات مطرح ادبی نظری "نیویورکر"، "ووگ" و "ونیتی فر" همکاری داشت. برای مدتی طولانی یادداشت‌هایی را در مورد نمایش‌های روی صحنه می‌نوشت و این، او را ناچار می‌کرد که همه‌ی کارهای روی صحنه را ببیند و لحن نمایشی صحنه بر روی شعرها و داستان‌هایش اثر بسیاری بگذارد. زبان بسیار تن و تیزی به نقد داشت و این برایش در همان آغاز در دسرهای بسیاری آفرید. اولین کتاب شعرش "نطاب کافی" ۱۹۳۶ کتابی مطرح و پرفروش شد. الگوی الهام دورانی پارکر از شعر ادنا سنت وینسنت میلی گرفته شده است. غیر از شعرهای کودکانی نشده‌اش، او دو کتاب شعر دیگر نیز تا آخر عمرش به چاپ رسانید: "تفنگ غروب" و "مرگ و مالیات". ازدواج اولش با یک تاجر، موفق از آب مریامد، بعد از اینکه ادوارد پارکر به جنگ می‌رود و جراحت‌هایی برمی‌دارد، رابطه‌ی آنها به تیرگی می‌گراید و به جدایی منجر می‌شود و این شکست عاشقانه را در داستان "مرخصی بی‌مانند" به تصویر کشیده‌است با این وجود نام پارکر را از این ازدواج گرفت.

اما ازدواج دوم‌اش با بازیگر و فیلم‌نامه‌نویسی از هالیوود که درست مثل خود او تباری نیمه‌یهودی داشت و از او کوچکتر بود در رشد و ترقی او موثر بود. تا زمانی که شوهرش در سال ۱۹۶۳ درگذشت. او و آلن کمپل به اتفاق هم فیلم‌نامه‌های موفقی را به رشته‌ی تحریر درآوردند. او که از کودکی با پدیده‌ی یهودی‌ستیزی روبرو شده بود، نام خانوادگی همسر اولش پارکر را برای خود برمی‌گزیند تا با نام یهودی‌اش مورد آزار قرار

نگیرد. گرچه از میراث یهودی‌اش هیچ وقت در آثارش سخنی به میان نباورده و به نوعی همگونی با جامعه‌ای امریکایی رسیده بود. دوروتی که قصد داشت از آلن کمبل بچه‌دار شود، کودکش را در سقط جنین از دست می‌دهد و این واقعه تأثیر فراوانی بر زندگی او می‌گذارد که از پیامدهای آن پناه بردن به الکل بود.

زبان شعر دوروتی پارکر، ساده و گفتاری است. او حتی‌الامكان از کلمات فاخر و ادبی دوری می‌جوید و سعی‌اش بر این است که آن‌جوری که حرف می‌زند شعر بگوید. شعر دوروتی پارکر شعری بی‌الایش، خشن، صادق و برهنه از اراستگی‌هاست. خبری از تصویرپردازی و توصیفات شاعرانه نیست. چندان خیال‌پرداز نیست و استعاره و تشییه جای کمی در کارش دارد. شعری است که به آسانی خواننده را می‌سوزاند و گاه به خنده وا می‌دارد. وزن و قافیه و باری‌های زبانی گاهی در جهت دست اندختن خواننده استفاده می‌شود. گفتن از تلغی و شیرین عشق دغدغه‌ی مدام اوست. شاید بتوان این زبان زنانه را در آثار دوروتی پارکر برسی کرد. توجه بی‌اندازه‌ی او به جزئیات و گسترش دامنه‌ی واژگان ادبی با استخدام کلماتی که پیشتر شاعرانه جلوه نمی‌کردند. کنایه و هجو، پورنگ‌ترین تمهد سبک دوروتی است و کلمات قصارش به این خاطر مشهورند. دوروتی پارکر نویسنده‌ای فمینیست با طنزی گزنده است. در شعر "زنی که همیشه هست" طنز او در به سخره کشیدن معیارهای مردسالارانه بارز است. رابطه‌ی زنان و مردان در جامعه‌ای نابرابر و سرخوردگی زنان از مضمون‌های مسلم آثار اوست. شعر "خلاصه" از شیوه‌های مختلف خودکشی و رنج آن می‌گوید. شعر "گل سرخ بی‌عیب" روابط عاشقانه‌ای که در پدیده‌ی کاپیتالیسم به اضطرالحل رفته است را به سخره می‌گیرد. شعر "زنی که همیشه هست" معیارهای یک زن معمولی در جامعه‌ی آن روز را به طنز گرفته است. در شعر "زن‌ها" باز معیارهای

متداول جامعه‌ی آن روز برای زنان و کلیشه‌ها را به سخره می‌گیرد. دوروتی پارکر زبانی تند و تیز دارد و از مسائل اجتماعی بسیار انتقاد می‌کند. سبک شعرهایش بیشتر رنالیسم اجتماعی است و شعرهای کوتاهش بسیار مشهور است. کاربرد قوافی و ضربانگ‌های کودکانه به شعرهایش باری موسیقایی داده که گاه در پایان بندی تلنگری را به ذهن مخاطب وارد می‌کند. جلوه‌های انتقادی مورد نظر او که زن را در حصار خانگی‌اش به سخره می‌گیرد و با سنت‌ها به جدال بر می‌خیزد در جامعه‌ی آن روز آمریکا هنجارشکنانه به نظر می‌رسیده است. او شیفته‌ی اشیاء و نشانه‌های زنانه است. از کیف دستی و شانه و زیورآلات تا لباس و کلاه و دلبستگی‌هایش به تزئینات ظریفی که در محیط زندگی یک زن همیشه در کانون توجه قرار دارد.

ادبیات دوروتی پارکر مخصوص زمانی است که زنان تازه داشتند ردن پای خود را در ادبیات آمریکا مغایم می‌کردند. شاید ادبیات دوروتی پارکر بیشنها دهای بسیاری را در جغرافیای ادبیات زنان مطرح کرده باشد که برای نویسنده‌گان پس از او قابل پی‌گیری و ادامه باشد چرا که زنان از یکدیگر در آثار ادبی خود تأسی جسته‌اند. توصیفات دقیق و ظریف از زنان از مشخصات آن است. او گاه از واژه‌هایی استفاده می‌کند که در محفوظ‌های خاله‌زنکی و غیررسمی زنان آن دوره دیده شده است و بخشی از ادبیات شفاهی زنان طبقه‌ی خود را مکتوب کرده است. ایجاز و صراحت بسیاری از کارهایش برای زنان نویسنده ستودنی است. شهری نویسی و روابطی که جامعه‌ی آن روز آمریکا با آن دست و پنجه نرم می‌کرد تا از اقتصادی فرسوده به قدرتی جهانی بدل شود، در ادبیات نویسنده‌گان هم-دوره‌ی پارکر نیز دیده می‌شود.

دوره‌ی مک‌کارتیسم و پیامدهای آن از مسائلی است که ادبیات دوره‌ی پارکر با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. او در گروه ضد نازی به فعالیت‌های

سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. در تظاهرات خیابانی برای ساکو و وزارتی دستگیر می‌شود و به خاطر جنگ برعلیه فرانکو به اسپانیا می‌رود. بعد از مرگش چون فرزندی از او باقی نمانده ارثیه‌اش را به بنیاد هارتن لوترکینگ برای حمایت از حقوق سیاهان می‌بخشد. لیلیان هلمن نویسنده از دوستان نزدیک او بود و این دو به هم وابستگی مالی داشتند.

در سال ۱۹۲۹ موفق به دریافت جایزه آندریه به خاطر داستان "موطلایی بزرگ" شد. در این داستان دنیای زن‌ها و کشمکش‌های عاطفی آنها به خوبی به تصویر کشیده شده است و نویسنده در پرداخت شخصیت‌ها و دیالوگ‌ها مهارت و تیزبینی خاصی به خرج داده است. داستان‌هایش با کمترین توصیف‌ها از طبیعت و محیط و بیشترین توصیف از ظاهر شخصیت‌ها را برهنگی می‌شود. در دیالوگ‌ها طبقه‌ی متواتر آمریکای آن روزگار و دغدغه‌های دلنشغولی‌هاشان به خوبی نمایان است. مهم‌ترین مضمون روابط بین زنان و مردان است که معمولاً با شکست همراه است و چرایی آن در پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی است که شخصیت‌های زن او دارند انجار که این زن‌ها از سوی جامعه‌ی مردم‌سالار فهمیده نمی‌شوند و یا آن قدر شکننده هستند که معیارهای جامعه‌ی آن روزگار آن‌ها را به شدت آزار می‌دهد.

در برخی از داستان‌های کوتاهش تکیه بر تک‌گویی‌های نمایشی دارد. این چند داستان نظری احساسات، والس و یا گفتگوی تلفنی که همه در این مجتمعه گردآمده‌اند از ضرب‌آهنگی خاص پیروی می‌کنند. طنز گزنه و نگاه مشکوک او به روابط انسانی، انگیزه‌ی دراماتیک داستان‌هایش را بررنگ‌تر می‌کند. شخصیت‌های داستانی اش الهام‌گرفته از زندگی خودش و دوستانش هستند. زنان و رنچ‌های آنان در عشق مضمون بیشتر کارهای اوست. شخصیت‌هایی بسیار ملموس که در روابط عاشقانه‌ی خود دچار تنش و اضطراب و سرخوردگی می‌شوند و از دنیای مردم‌سالارانه رنج

می‌برند. زن‌های نویورکی آن زمان و دندانه‌هایشان که از ظاهر آن‌ها تا سبک زندگی‌شان همه دستخوش دنیا بی‌نو شده بود و معیارهای جامعه‌ی سرمایه‌داری اسیرشان کرده بود.

داستان "گفتگوی تلفنی" که از وسوسه‌های بیمار‌گونه‌ی یک زن در رابطه‌ای عاشقانه پرده بر می‌دارد، مهم‌ترین اثر او است. ضرب‌آهنگ و موسیقی کلام از موارد قابل اشاره است. شک و طنز او روابط انسانی را در هاله‌ای از تردید، سُست و ناپایدار به تصویر می‌کشد. این اثر تکیه بر تک‌گویی‌های نمایشی دارد با زبانی ساده و گاه خشن، کودکانه و بی پیرایه به آسانی خواننده را می‌سوزاند و به خنده و می‌دارد.

فیلم "خانه پارکر و حلقه‌ی پلید" به زندگی او و حلقه‌ی دوستانش اشاره دارد. دور و تی پایه‌گذار حلقه‌ی ادبی الگونکوئین بود که در آن نویسنده‌گان جنبه‌ای تکراری‌هایی امتدند و در این حلقه‌ی ادبی بود که طنز و شکوفا شد. او زن حاضر جواب معرکه بود که با بازی‌های زبانی بی‌بدیلش همه چیز را به سخره می‌گفت و تکه کلام‌هایش نُقلِ محافل می‌شد.

در هالیوود علاقه فیلم‌نامه‌نویسی‌اش را ذیل اکود و دو بار نامزد جایزه اسکار شد اما به خاطر فعالیت‌های چپ سیاسی‌اش مدتی ممنوع‌الکار شد. از فیلم‌نامه‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: باد به سامان، حادثه یک زن، خرابکار، روباه‌های کوچک، ستاره‌ای متولد شده است، طرفدار و ...

دور و تی پارکر را چهره‌ی تمثالي عصر جاز می‌خوانند.